

وَقَدْ جَرَتْ مَقَادِيرُكَ عَلَيَّ يَا سَيِّدِي فِيمَا يَكُونُ مِنِّي إِلَى آخِرِ عُمْرِي مِنْ سَرِيرَتِي وَ عَلَانِيَتِي ...

و به درستی که آنچه در ظاهر و باطن من تا آخر عمر از من سر خواهد زد، از تقدیر تو گذشته است ...

تقدیر الهی بودن تمامی امور در زندگی بنده

گرچه بحث از «قضا و قدر»، از پیچیده ترین مباحث علم کلام است، ولی به مناسبت این فراز از دعا، که از تقدیر سخن گفته شده است، بهتر دیدیم که به طور مختصر و به دور از پیچیدگی، اشاره ای به آن گردد.

شاید نخستین سؤالی که با شنیدن نام «قضا و قدر» به ذهن آدمی خطور می کند این است که: اگر بنا باشد، هر آنچه که در زندگی آدمی پیش می آید و اتفاق می افتد، بر طبق قضا و قدر الهی باشد، پس چه فایده ای برای دعا می توان تصور کرد و اساساً تلاش در زندگی بشر چه سودی می تواند داشته باشد؟

در پاسخ به این سؤال مهم، آن هم به اجمال باید گفت:

اولاً - قضا و قدر همانند درختی با شاخه های انبوه است.

از جمله شاخه های آن این است که: دعا نمودن و به دنبال آن، استجاب دعا، خود از مصادیق قضای الهی است؛ یعنی قضا و تقدیر الهی بر آن تعلق گرفته است که در زندگی آدمی، دعایی باشد و اجابتی.

همچنین خداوند این گونه اراده فرمود و این گونه قضا و قدر خویش را جاری ساخت که هر که در زندگی، اهل تلاش باشد، به آرزوهایش خواهد رسید و مقدر فرمود که هر که تقوا پیشه کند، رستگار خواهد شد.

ثانیا - در مورد دعا، مطلب بالاتر از این حرف هاست؛ یعنی تأثیر دعا تا آنجاست که می تواند قضای الهی را نیز تغییر دهد؛ همان گونه که از امام باقر علیه السلام چنین نقل شده است که: «الدُّعَاءُ يَرُدُّ

الْقَضَاءُ وَ قَدْ أُبْرِمَ إِبْرَامَا؛ دعا، قضای الهی را تغییر می دهد، اگرچه آن قضا، کاملاً محکم شده باشد»؛ (میزان الحکمه، ج ۴، ص ۱۶۴۸)

یعنی در واقع، بنده توسط قضای الهی که دعا باشد - می تواند قضای دیگری را رفع کند و این یکی از شگفتی های این شاهکار خلقت، یعنی انسان است که تا این حد می تواند در جهان هستی - به اذن الهی - تأثیرگذار باشد.

حوزه نت

باری با همین اشاره اجمالی روشن شد که در منطق وحی و عترت، هیچ حادثه ای عینیت نمی یابد. مگر آنکه مسبوق به قضا و قدر علمی و محفوف به همه اسبابی است که در وجود آن دخیلند و از جمله حوادث، عمل انسان است که مسبوق به همه اسباب و مقدمات مربوطه اش می باشد و من جمله، اختیار و اراده و مبادی آنهاست که کلاً از خزائن غیب به کتاب مبین تنزل می نماید و از این مرتبه علمی قدر به وسیله «المدبرات امرا» به مراتب شهادت تا به مرتبه عمل نازل می شود.

شرح مناجات شعبانیه ص : ۷۶

در اینجا مناسب است سخنی شیوا و دقیق از استاد شهید مرتضی مطهری در تبیین سخنی که ذکر شد، بیان گردد. ایشان چنین می گوید:

زمانی که با اراده یک پیغمبر یا ولی خدا، کاری خارق العاده انجام می گیرد، شرایط عوض می شود. یعنی یک روح نیرومند و پاک و متصل به قدرت لایزال الهی، شرایط را تغییر می دهد، و به عبارت دیگر، عامل و عنصر خاصی وارد میدان می شود. در مورد تأثیر دعا و صدقه در دفع بلاها و غیره نیز جریان از همین قرار است. در حدیث آمده است که از رسول اکرم صلی الله علیه و آله سؤال شد با وجود اینکه هر حادثه ای که در جهان رخ می دهد به تقدیر الهی و قضای حتمی او است، دعا و دوا چه اثری می تواند داشته باشد؟ در پاسخ فرمودند: دعا نیز از قضا و قدر است. (مرتضی مطهری، عدل الهی، ص ۱۱۵ و ۱۱۶)

ایشان همچنین می گوید:

آیا ممکن است عالم انسانی، در نظام علوی (یعنی عوالم بالا) و علمی اثربگذار و سبب تغییراتی بشود؟ آیا علم خدا تغییرپذیر است؟! آیا حکم خدا قابل نقض است؟! آیا دانی می تواند در عالی اثر بگذارد؟! جواب همه اینها مثبت است. بلی، علم خدا تغییرپذیر است، یعنی خدا علم قابل تغییر هم دارد. حکم خدا قابل نقض است، یعنی خدا حکم قابل نقض هم دارد. بلی دانی می تواند در عالی اثر بگذارد، نظام سُفلی - و پایین تر - ، و مخصوصا اراده و خواست و عمل انسان، بلکه اختصاصا اراده و خواست و عمل انسان، می تواند عالم علوی - و بالاتر - را تکان دهد و سبب تغییراتی در آن بشود، و این عالی ترین شکل تسلط انسان بر سرنوشت است. اعتراف می کنم شگفت آور است اما حقیقت است. (مرتضی مطهری، انسان و سرنوشت، ص ۶۴ و ۶۵)

بداء

سخن آخر درباره مبحث قضا و قدر، موضوع «بداء» است که در واقع، ارمغانی بزرگ از ناحیه اهل بیت علیهم السلام برای انسان هاست.

بداء به زبان ساده یعنی «اصل تغییرپذیری تقدیرات الهی و اینکه هیچ یک از امور عالم جز به تقدیر خداوند تحقق نمی یابد، و البته این تقدیر، حتمی نیست.»

ناگفته نماند که «بداء» از آن دسته از اسرار الهی است که احدی را جز خدا، بدان راه نیست. چنانچه امام صادق علیه السلام فرمود: «همانا خداوند را دو علم است: ۱. علم نهفته و در خزانه که جز او کسی نداند و بداء از این علم است، ۲. علمی که خداوند به ملائکه و رسولان و پیغمبرانش تعلیم داده که ما آن را می دانیم.» (اصول کافی، ج ۱، ص ۲۰۳)

و در قرآن نیز که فرمود: «يَمْحُوا اللَّهُ مَا يَشَاءُ وَ يَثْبُتُ وَ عِنْدَهُ أُمُّ الْكِتَابِ؛ خداوند هرچه را که بخواهد محو می کند (گرچه ثبت شده بود) و هرچه را بخواهد ثبت می کند - گرچه قبلاً ثبت نشده بود - و اصل و کتاب مادر، منحصرأ نزد اوست». (رعد: ۳۹) اشاره به همین مسئله بداء دارد. (ملاصدرا نیز در اسفار، ج ۶، ص ۳۹۶ چنین می گوید: «هرچه خداوند در الواح سماوی و صحیفه های قَدَری، یعنی همان قلوب ملائکه تاثیرگذار و نفوسِ تدبیر کننده عوالم بالا «نقش زده است، همه، کتاب محو و اثبات است و قابل تغییر است»)

حاصل سخن آنکه، با وجود «بداء» موضوع ناامیدی و افسردگی از میان می رود و منتفی می شود و همواره آنچه در جلوه است، ستاره امید است؛ چون همواره، احتمال تغییر شرایط موجود می رود.

چنانچه حضرت سیدالشهداء علیه السلام در دعای عرفه این گونه زیبا و دل نشین بهاین موضوع اشاره فرموده که: إلهی إِنَّ اخْتِلَافَ تَدْبِيرِكَ وَ سُرْعَةَ طَوَاءِ مَقَادِيرِكَ مَنَعَا عِبَادَكَ الْعَارِفِينَ بِكَ عَنِ السُّكُونِ إِلَى عَطَاءٍ وَ الْيَأْسِ مِنْكَ فِي بَلَاءٍ: خدای من! به درستی که اختلاف و دگرگونی تدبیرات و سرعت تحول تقدیرات تو، بندگان عارف تو را از توقف در عطا و یأس و ناامیدی در بلا باز می دارد.

حوزه نت

و از این رو است که امر به دعا و صدقه دادن شده است و تصریح فرموده اند که دعا، قضا مبرم را تغییر داده و ردّ میکند. در اصول کافی، ج ۲، ص ۴۶۹ از امام صادق علیه السلام روایت می کند:

إِنَّ الدَّعَاءَ يَرُدُّ الْقَضَاءَ وَ قَدْ نَزَلَ مِنَ السَّمَاءِ وَ قَدْ أُبْرِمَ إِبْرَامَا.

دعا قضا مبرم و نازل شده از آسمان را ردّ می کند.